

رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای موثر بر تحولات ایران

اکثریت اعضای مجلس نمایندگان لوکزامبورگ : اتحادیه اروپا باید نام مجاهدین خلق را از لیست تروریستی حذف کند

پنجشنبه 21 خرداد 1383- 10 ژوئن 2004

همبستگی ملی - بدنال پارلمانترهای بریتانیایی، ایتالیایی و بلژیکی: اکثریت نمایندگان پارلمان لوکزامبورگ امروز پنجشنبه 10 ژوئن 2003 مصادف با 21 خرداد 1383 طی یک اطلاعیه مطبوعاتی همبستگی خود را با مقاومت ایران علیه تروریسم و بنیادگرایی اعلام کردند و از اتحادیه اروپا خواستند نام مجاهدین خلق را از لیست تروریستی حذف کند. نمایندگان بمناسبت سالگرد 17 ژوئن 2003 «تهاجم ناموجه پلیس فرانسه به دفتر شورای ملی مقاومت ایران در اور سور اواز فرانسه و خانه دهها تن از پناهندگان ایرانی را که طی آن خانم مریم رجوی و 165 تن دیگر دستگیر شدند» را تقبیح کردند.

اکثریت اعضای پارلمان لوکزامبورگ در یک بیانیه مشترک و فراجزبی نقض حقوق بشر در ایران را بشدت محکوم ساخته و از تلاشهای مقاومت ایران تحت رهبری رئیس جمهور مریم رجوی برای ایجاد یک ایران دموکراتیک و بردبار و برای امحای بنیادگرایی و تروریسم استقبال کردند.

در بین 36 امضاکننده بیانیه 12 تن از روسای کمیسیونهای مجلس می باشند. نمایندگان بمناسبت سالگرد 17 ژوئن 2003 «تهاجم ناموجه پلیس فرانسه به دفتر شورای ملی مقاومت ایران در اور سور اواز فرانسه و خانه دهها تن از پناهندگان ایرانی را که طی آن خانم مریم رجوی و 165 تن دیگر دستگیر شدند» را تقبیح کردند.

سازمانهای حقوق بشری و شخصیتهای برجسته ای نظیر خانم دانیل میتران و بسیاری از شهروندان پاریس برای آزادی خانم رجوی تلاش کردند.

امضا کنندگان بیانیه با وکیل خانم رجوی و رئیس افتخاری لیگ حقوق بشر هانری لوکلرک اتفاق نظر دارند که گفته بود «این عملیات نمایشی یک پرونده خالی دارد و انگیزه های سیاسی محرک آن بوده اند». در این بیانیه آمده است: «تعرض به مقاومت تحت رهبری خانم رجوی که علیه بنیادگرایی و برای استقرار یک دموکراسی برپایه انتخابات آزاد و جدایی دین از دولت مبارزه میکند و همواره از قوانین کشورهای میزبان تبعیت کرده است، انزجار مردم فرانسه را برانگیخت و باعث شرمساری آزادیخواهان و جریحه دار شدن قلوب آنان شد. این رفتار نقض ارزشهایی است که اروپا در راه کسب آنها صدها سال مبارزه کرده و قربانیان بی شمار داده است».

نمایندگان امضاکننده با اشاره به وضعیت متشنج کنونی در عراق بر نقش مجاهدین خلق ایران برعلیه بنیادگرایی تاکید ورزیدند: «مجاهدین ایرانی طی ربع قرن اخیر با اتکا به یک اسلام دموکراتیک و بردبار، آنتی تز بنیادگرایی اسلامی و مهمترین مانع در مقابل گسترش آن بوده اند». نمایندگان در بیانیه خود به روشنگری پرداخته و گفتند: «تهران که مقاومت ایران را تهدید موجودیت خود میداند، در آن سوی دنیا نیز مصرانه خواستار استرداد و یا اخراج 4000 عضو مقاومت از عراق است. ملایان میخواهند هم از دست اپوزیسیون خلاص شوند وهم راه را برای برپایی یک حکومت مذهبی دست نشانده در عراق هموار کنند».

در این بیانیه همچنین آمده است: «دستاویز تهران برای توطئه علیه مقاومت ایران در اروپا و در عراق وجود نام مجاهدین در لیست تروریستی اتحادیه اروپاست. نامگذاری که هیچ اعتبار حقوقی نداشته و جزئی از سیاست نزدیکی به ملایان بوده است».

نمایندگان مجلس لوکزامبورگ اعلام کردند: «اخراج و استرداد مجاهدین از عراق نقض قوانین بین المللی و در حکم جنایت علیه بشریت می باشد» و از اتحادیه اروپا خواستند «نام مجاهدین را از لیست سازمانهای تروریستی حذف کند و اجازه ندهد، به بهانه مبارزه علیه تروریسم، آزادی بیان و حقوق اولیه اعضای مقاومت ایران که پیشقراولان مبارزه با دیکتاتوری و تروریسم هستند، چه در اروپا و چه در عراق پایمال شود. چیزی که برنده آن تروریستهای واقعی و بنیادگرایان هستند».

این اطلاعیه مطبوعاتی بامضای 7 تن از نمایندگان مجلس - آقایان آلكس بودری و لوسین لوکس (حزب سوسیالیست کارگر)، گاستون ژیرین و فرناند گرایزن (حزب عدالت و دموکراسی)، فرانسوا باوش، ژان هوس و کامیل ژیرا (حزب سبزها) در لوکزامبورگ انتشار یافت

بزرگترین انتخابات اروپایی با رای گیری برای انتخاب پارلمان جدید اروپا آغاز شده است.

پنجشنبه 21 خرداد 1383- 10 ژوئن 2004

در این انتخابات 25 کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا در چهار روز آینده بزرگترین انتخابات اروپا و جهان را برگزار می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری رویتر، این انتخابات که بزرگترین انتخابات بین چند کشور، در تاریخ جهان نیز لقب گرفته از امروز (پنجشنبه) با حضور رای دهندگان هلندی در پای صندوق‌های رای برگزار می‌شود و تا یکشنبه شب آینده ادامه می‌یابد. 349 میلیون نفر در سراسر کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا واجد شرایط رای دادن در این انتخابات هستند. قرار است در این انتخابات 732 عضو پارلمان جدید اتحادیه‌ی اروپا که مقر آن در استراسبورگ است، برگزیده شوند.

اتحادیه‌ی اروپایی با پیوستن 10 کشور جدید به آن به یک قطب اقتصادی با 454 میلیون جمعیت تبدیل شده است که انتخابات پارلمانی آن اولین انتخابات در اتحادیه‌ی گسترش یافته‌ی اروپایی است. هلند و انگلیس اولین کشورهای هستند که این انتخابات را برگزار می‌کنند و به دلیل جنگ در عراق و حمایت انگلیس از این جنگ به نظر می‌رسد که مشارکت مردم انگلیس در این انتخابات چشمگیر نخواهد بود و احزاب حاکم در این دو کشور بیم دارند که نتیجه‌ی این رای‌گیری‌ها، که احتمالاً منعکس کننده اعتراض مردم به سیاست‌گذاری آنها خواهد بود، باعث شود مخالفان این دولت‌ها قدرت بگیرند. از سوی دیگر علاوه بر موضوع عراق، گمان می‌رود رشد اقتصادی کند و افزایش بی‌کاری در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا باعث شود تا مشارکت در دیگر کشورها نیز چندان قابل توجه نباشد. مردم ایرلند، جمهوری چک، ایتالیا، لاتویا و مالت فردا و شنبه‌ی آینده رای خود را در صندوق‌ها می‌اندازند.

هم چنین گزارش شده است، رای مردم انگلیس منعکس کننده‌ی اعتراض آنان به سیاست تونی بلر، نخست‌وزیر این کشور به دلیل پشتیبانی از جنگ آمریکا علیه عراق خواهد بود. این انتخابات برای بلر نشانگر میزان حمایت مردم از سیاست‌هایش است. پارلمان اروپایی برای ایجاد یک موازنه دموکراتیک در برابر کمیسیون اروپا که اعضای آن انتصابی هستند، طراحی شده است و نمایندگان آن از طریق انتخابات تعیین می‌شوند. این پارلمان درباره‌ی بودجه، تجارت، محیط زیست و امور مربوط به مصرف کنندگان در اتحادیه اروپا به نوعی کنترل دارد.

مبارزه آلمان با تروریسم بین المللی در شاخ آفریقا رادیو آلمان - پنجشنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

جیبوتی، مستعمره سابق فرانسه و واقع در آفریقا که از سال ۱۹۷۷ کشوری مستقل است یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. اما این کشور واقع در شاخ آفریقا در مبارزه علیه تروریسم بین المللی بعثت همین موقعیت سوق الجیشی اهمیت فراوان یافته است.

بندر آزاد جیبوتی پایگاهی دریائی برای ناوگان آلمان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا در مبارزه علیه تروریسم بین المللی است که این پایگاه نیز پس از سوءقصد‌های خونین روز یازدهم سپتامبر ماه سال دو هزار و یک میلادی در چهارچوب عملیات بین المللی بنام « صلح پایدار » برای نظارت بر رفت و آمد کشتی‌ها در حوالی شبه جزیره عربستان تاسیس گردید. حال نیز یک ناو آلمانی بنام « Augsburg » در همین منطقه به ماموریت خود ادامه می‌دهد. گزارش‌های از همکاری ما خانم Nina Werkhäuser در باره زندگی روزمره سربازان بر عرشه این ناو که در این منطقه به عملیات خود در رابطه با مبارزه با تروریسم ادامه می‌دهند. ۲

ناو آلمانی "Augsburg" وارد بندر جیبوتی میشود. گرمای شدید آزار دهنده است. این ناو از این بندر راه‌های دریائی شاخ آفریقا و شبه جزیره عربستان را کنترل میکند که میتواند محلی برای مخفی شدن تروریستها باشند. برای دوپست سرباز نیروی دریائی آلمان که بر روی این ناو در جیبوتی خدمت کنند این امر بمعنای شش ماه زندگی در کشتی است. دو فروند هلیکوپتر نیز بر روی این ناو بطول ۱۳۰ متر مستقر هستند. یک سربازان نیروی دریائی آلمان که بر روی این ناو خدمت میکند میگوید: ما واقعا وقت زیادی برای استراحت و غیره نداریم و اگر نوبت پاسداری شبانه به من برسد باید روز بعد نیز صبح زود بیدار شوم، گهگاه نیز با دیگر سربازان فیلمی تماشا میکنم.

در آلمان محل خدمت سربازان نیروی دریائی اینکشور در دریای شمال و یا شرق است و آنها با باد خنک این دریاها آشنا هستند ولی در جیبوتی سرو کار آنها با گرمائی طاقت فرسا است زیرا که جیبوتی یکی از گرم ترین کشورهای جهان است و سربازان باید روزانه چندین لیتر آب بنوشند. یک سرباز آلمانی میگوید: در حدود سه تا هفت لیتر آب در روز و آنهم بستگی به کار و ماموریت بر روی عرشه این ناو دارد. اما آنها از کار و خدمت خود بر روی عرشه این ناو ابراز رضایت میکنند ولی برای همسران آنها دوری و تنهائی عذاب دهنده است زیرا برای سربازان آلمانی شرکت کننده در این ماموریت یعنی مبارزه با تروریسم بین المللی در چهارچوب عملیات « صلح پایدار » بمدت شش ماه مرخصی برای سفر به آلمان و دیدار با اقوام وجود ندارد و بدین خاطر نیز ارتش آلمان برای آنکه زندگی زناشویی سربازان آلمانی بعثت دوری از هم پاشیده نشود، همسران آنها را به جزیره ائی در حوالی جیبوتی پرواز میدهد تا حداقل برای مدتی کوتاه بتوانند همسران خود را که بر روی این ناو خدمت میکنند ببینند.

اما فقط دوری از اقوام نیست که سربازان آلمانی را در حیوتی رنج میدهد. سربازی میگوید: باید اقرار کنم که ندیدن و عدم اطلاع از نتایج مسابقات فوتبال بوندس لیگای آلمان، مرا در آغاز این ماموریت رنج میداد و هر چند که ما از طریق اینترنت میتوانیم اطلاعاتی در اینباره بدست آوریم ولی در گوشه اطاق نشستن و مجله آئی خواندن البته نه مجله آئی که سه هفته پس از انتشار بدست ما برسد، لطف دیگری دارد.

دومین روز اجلاس سران کشورهای مهم صنعتی جهان و روسیه رادیو آلمان - پنجشنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

برنامه کاری رییسان حکومتها و دولتهای هفت کشور مهم صنعتی جهان و روسیه، موسوم به کشورهای گروه هشت، در روز دوم اجلاس عالی شان که در سی آیلند در ایالت جورجیای امریکا برگزار می شود، بسیار فشرده بود. موضوعهای بسیاری مطرح بود، که بر سرشان توافق وجود داشت، موضوعهایی چون وضعیت اقتصاد جهانی یا بهای بالای نفت. اما در باره برخی مسائل نیاز به بحث بیشتر وجود داشت، برای نمونه سیاست جورج بوش در خاورمیانه و مناطق همجوار آن. به نظر می رسد که رییسان دولتهای گروه هشت در جوی آرام و راحت با هم به گفتگو می پردازند و میانشان هارمونی برقرار است. و این چیزی است که خواست میزبان این کنفرانس، جورج بوش است، که این دیدار نشان دهنده همبستگی و اراده مشترک باشد. با تصویب قطعنامه عراق در شورای امنیت سازمان ملل به اکثریت آرا در روز سه شنبه، راه برای چنین چیزی هموار شده است. بدین ترتیب کشورهای گروه هشت می توانستند با خیالی آسوده در باره موضوعهای سیاسی-اقتصادی بحث کنند، بر پایه داده هایی نو با سران کشورهای گوناگون عربی به گفتگو بنشینند و به طرح جورج بوش در رابطه با خاورمیانه پردازند. در جهان عرب طرحهای بوش برای اصلاحات سیاسی و اقتصادی عموماً به عنوان دخالت در امور داخلی رد شده اند. در میان کشورهای گروه هشت نیز به این طرح با نظرهای گوناگونی نگاه می شود.

در پایان پیشنهادی که برجای ماند عبارت بود از "مشارکت برای ترقی و آینده ای ممشترک". صدراعظم آلمان گرهارد شرودر روشن ساخت که موضوع بر سر چیست. وی گفت: "رییس جمهور امریکا از کار وزیر امور خارجه آلمان تشکر کرد، که به روشنی گفته بود که می توان از طرح بوش استقبال کرد، اما غرب نباید این اشتباه را بکند که بخواهد تصورات خود را در باره شیوه پیشرفت و توسعه اجتماعی به دیگران به زور بقبولاند. دموکراتیزه کردن این کشورها باید از درون خود این کشورها برآید و در این مورد در حال حاضر اختلاف نظری وجود ندارد."

و اما بحث انتقادی تر شد آنجا که رییس جمهور امریکا بحث در باره لزوم فعالیت بیشتر نیروهای ناتو، کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی، در عراق را به میان آورد. صدراعظم آلمان خود را از این بحث کنار کشید. وی امیدوار است که اقتصاد آلمان بتواند در رابطه با بازسازی عراق سفارشهای زیادی دریافت کند. رییس جمهور فرانسه ژاک شیراک نیز این درخواست را به صراحت رد کرد. در مورد اینکه آیا قروض عراق بخشوده شوند نیز توافق نهایی ای حاصل نشد. البته صدراعظم آلمان از امکان بخشوده شدن این قروض سخن گفت، اما در باره مقدار آن چیزی نگفت. در مجموع فضای گفتگو میان دولتمردان گروه هشت مثبت بود. از جمله دیدار میان بوش و شرودر بسیار دوستانه بوده است. خود گرهارد شرودر در این باره چنین گفت: "منی خواهم بگویم که هوای رابطه میان ما کاملاً آفتابی است، اما فکر می کنم این واقعیت که تصویب قطعنامه عراق که خود نتیجه جنبشی در سیاست امریکا بوده، موجب بهبود جو روابط دیپلماتیک شده است. و این کاملاً لازم بود. بحثهایی که در رابطه با این قطعنامه صورت گرفته را می شناسیم و من پس از آنکه تغییراتی اساسی در قطعنامه انجام گرفت با آن موافقت کردم. در حال حاضر فضای بحث در اینجا دوستانه و معطوف به موضوعهاست."

در آغاز دومین روز کنفرانس سران کشورهای جی هشت باهم در باره اقتصاد جهانی گفتگو کردند. صدراعظم آلمان خواستار آن شد که قیمت نفت مناسب تر گردد. وی گفت که دلیل بالا رفتن بهای نفت تاثیر رفتار گمانه زنهاست.

شرودر گفت: "بهای نفت خطری روزآمد نیست، اما خطری است که بالقوه موجود است. و ما باید به ویژه چیزهایی را که موجب زایش ترس می شوند، از میان برداریم. به نظر من این در صورتی ممکن است که وضعیت در خاور میانه و نزدیک تغییر کند. و اما باید گمانه زنها را نیز شفاف سازیم تا سهامداران بازار بتوانند تصمیم درست بگیرند."

در حالیکه رییس جمهور امریکا میهمانان اروپایی خود را به انجام اصلاحات در بازار کار و نظام اجتماعی فراخواند، اروپاییان نگرانی خود را از کسری عظیم بودجه در امریکا ابراز داشتند. در برابر همگی موافق آن بودند که سدهای موجود در برابر تجارت جهانی باید برداشته شود و روسیه باید هر چه زودتر به سازمان تجارت جهانی بپیوندد.

امروز پنجشنبه آخرین روز کنفرانس گروه هشت در سی آیلند است و موضوع کانونی بحث سیاستهای توسعه و عمران خواهد بود. امروز در باره سیاست بخشش قروض کشورهای فقیر جهان تصمیم گیری خواهد شد. پس از آن دیداری با رییسان دولتهای کشورهای آفریقایی صورت خواهد گرفت که در آن به فعالیتهای خود آفریقاییان برای انجام اصلاحات پرداخته خواهد شد. در این دیدار نمایندگان کشورهای آفریقای جنوبی، نیجریه، اوگاندا، غنا و سنگال شرکت دارند.

سامی ابوالزهري سخنگوي حماس شد

پنج شنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

همشهری - سامی ابوالزهري از اعضاي بلند پایه جنبش مقاومت اسلامي فلسطين (حماس) به عنوان سخنگوي مطبوعاتي این جنبش در نوار غزه تعیین شد.

خلیل الخلیل مسئول روابط عمومي این جنبش در بیروت دیروز در گفتگو با خبرنگار ایرنا با بیان این مطلب افزود: با شهادت عبدالعزیز الرنتیسی سخنگو و مسئول حماس در نوار غزه، این جنبش به تازگی ابوالزهري را به عنوان سخنگوي مطبوعاتي این جنبش در نوار غزه تعیین کرد.

رنتیسی ۲۹ فروردین گذشته بر اثر اصابت موشک هوا به زمین بالگردهای رژیم اشغالگر قدس به خودروی در شهر غزه به شهادت رسید.

خلیل افزود: ابوالزهري از اعضاي با سابقه حماس ۲۸ سال سن دارد و در سال های ۱۹۸۹ -

۱۹۹۴ به اتهام عضویت در گردان های عزالدین قسام شاخه نظامی حماس در اسارت رژیم

صهیونیستی بود. وی اضافه کرد: در کرانه باختری رود اردن نیز حسن یوسف از اعضاي

دفتر سیاسی حماس نقش سخنگوي مطبوعاتي این جنبش را داشت که نزدیک به دو سال

پیش به وسیله نظامیان اشغالگر به اسارت درآمد.

مسئول روابط عمومی حماس در لبنان تأکید کرد: به دنبال آن، حماس خالد السید را به عنوان

جانشین یوسف تعیین کرد که او نیز از سال گذشته در اسارت رژیم صهیونیستی بسر می برد.

به گفته وی، حماس از آن زمان به بعد تصمیم گرفت تا برای دور ماندن مسئولان این جنبش از

اسارت یا عملیات ترور صهیونیست ها از افشای نام سخنگوي جدید خود در کرانه باختری خودداری

ورزد.

به دنبال انتشار نام ابوالزهري در فلسطین اشغالی به عنوان سخنگوي حماس در غزه سازمان

های امنیتی رژیم صهیونیستی اعلام کردند که این دو در فهرست اسامی افرادی قرار گرفتند

که باید ترور شوند.

گروه هشت به گروه ده تبدیل می شود

پنج شنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

رهبران هشت کشور بزرگ صنعتی جهان درخواست هند و چین را برای پیوستن به گروه هشت

بررسی می کنند تا این گروه به گروه 10 تبدیل شود.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اینترنتی شبکه الجزیره، سیلیور لوسکنی نخست وزیر ایتالیا

اعلام کرد رهبران گروه هشت درخواست چین و هند را برای پیوستن به این گروه به گونه ای که تبدیل

به نشست گروه ده شود را بررسی می کنند.

وی به خبرنگاران گفت: سخن گفتن از اقتصاد در آینده بدون دو کشور (هند و چین) که نقش فعال و

موثری در صحنه جهانی و بازارهای اقتصادی دارند، سخن معقولانه نیست.

برلوسکنی درباره اینکه آیا رهبران گروه هشت تصمیمی در این زمینه گرفته اند یا خیر، اشاره ای نکرد.

گروه هشت متشکل از آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، کانادا و روسیه می باشد که

ریشه های این گروه به سال 1975 بر می گردد که در آن زمان رئیس جمهور اسبق فرانسه

ژیسکار دستن خواهان نشست شش کشور بزرگ برای بررسی غیر رسمی اقتصاد جهانی در رامپولیه

نزدیک پاریس شد که در آن زمان به گروه شش معروف شده بود. کانادا نیز پس از مدت کوتاهی به آن

پیوست که در نتیجه به گروه هفت تغییر نام یافت. روسیه نیز از 10 سال پیش به این مذاکرات دعوت

شده که از همان هنگام به گروه 8 مشهور شده است.

طی يك بیانیه : گروه هشت خواستار برقراری ثبات در خاورمیانه شد

پنج شنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

کشورهای عضو گروه هشت که در سی ایلند ایالت جورجیای آمریکا گرد هم آمده اند خواستار برقراری

اصلاحات و ثبات در منطقه خاورمیانه شدند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری آلمان، در بخشی از بیانیه کشورهای گروه هشت آمده

است: هفت کشور صنعتی، روسیه و کشورهای عرب باید با افزایش سطح همکاریهای خود در

راستای بهبود اوضاع منطقه پیش از پیش تلاش نمایند.

اعضای گروه هشت با ابراز نگرانی از فعالیت های هسته ای ایران و کره شمالی خواستار منع گسترش

تسلیحات کشتار جمعی در سراسر جهان شدند.

کشورهای گروه هشت در ادامه آمادگی خود را برای مبارزه همه جانبه با پدیده تروریسم اعلام کردند.

پیش از این در دیدار مقامات کشورهای یاد شده با رهبران سیاسی اردن، تونس، الجزایر، ترکیه،

بحرین و یمن، در خصوص عادی سازی اوضاع خاورمیانه گفتگو و تبادل نظرهایی صورت گرفته بود.

آلمان رآکتور هسته ای تحقیقاتی خود را راه اندازی کرد

پنج شنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

خبرگزاری فارس: راه اندازی رآکتور هسته ای جدید در کشور آلمان، با اعتراض مردم مواجه شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از گارچینگ، مخالفان انرژی هسته‌ای همزمان با راه‌اندازی این رأکتور 11 مگاواتی در این شهر که نزدیک شهر جنوبی مونیخ قرار دارد، روز چهارشنبه تظاهرات کردند. مخالفان این سایت هسته‌ای مدعی شده‌اند که آب سرد این رأکتور هسته‌ای به رودخانه «ایزار» ریخته می‌شود.

این در حالی است که آلمان با توقف تدریجی نیروگاه‌های هسته‌ای خود پیش از سال 2020 موافقت کرده است.

این کشور هیچ امکاناتی برای نگهداری سوخت هسته‌ای مصرف شده که توسط رأکتورها تولید می‌شود، ندارد و آنها را به فرانسه می‌فرستد.

برخی از رویدادهای مهم ایران

اعضای هیات رئیسه مجمع عمومی خانه احزاب انتخاب شدند

پنجشنبه 21 خرداد 1383- 10 ژوئن 2004

خبرگزاری فارس: ظهر امروز با رای‌گیری کتبی، اعضای شورای مرکزی مجموع عمومی خانه احزاب انتخاب شدند.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، از میان 15 نفر کاندیداهای هیات رئیسه و 65 رای مأخوذه، «حسن غفوری فرد» دبیر کل جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی با 45 رای به عنوان رئیس، «حسین کاشفی» عضو شورای مرکزی حزب مشارکت با 30 رای به عنوان منشی و «ابوالقاسم رئوفیان» دبیرکل جامعه اسلامی فرهنگیان و «منوچهر متکی» دبیر کل فارغ التحصیلان شبه قاره هند به ترتیب با 27 و 25 رای به عنوان مخبر هیات رئیسه مجمع عمومی فوق العاده خانه احزاب ایران انتخاب شدند.

منشور وفاق احزاب به تصویب رسید

منشور وفاق مجمع احزاب کشور که قرار بود عصر امروز با امضا نمایندگان احزاب به تصویب برسد به علت به حد نصاب نرسیدن اعضای هیات رئیسه به تصویب نرسید.

به گزارش خبرنگار سیاسی "مهر" یکی دیگر از دلایل به تصویب نرسیدن این منشور اختلاف اعضاء برسر تدوین این منشور است.

بنابراین گزارش قرار است تا دوهفته دیگر نکات مبهم این منشور و اعتراض اعضاء بررسی شود و در جلسه آتی مجمع احزاب تصویب شود.

گفتنی است در جلسه مجمع امروز خانه احزاب هیات رئیسه آن به ترتیب حسن غفوری فرد مهندس کاشفی رئوفیان و منوچهر متکی با اکثریت آراء تعیین شدند.

الهام نماینده قوه قضاییه در خانه احزاب شد

حسن غفوری فرد رئیس خانه احزاب از انتخاب غلامحسین الهام سخنگوی قوه قضاییه به عنوان رابط و نماینده این قوه در خانه احزاب خبر داد.

به گزارش خبرنگار سیاسی مهر، غفوری فرد روز پنجشنبه در همایش مجمع عمومی فوق العاده خانه احزاب که برای امضای منشور وفاق احزاب برگزار شده بود، افزود: در دیداری که اعضای خانه احزاب با آیت الله هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضاییه داشتند از وی درخواست شد که در خصوص لایحه جرم سیاسی و هیات منصفه با خانه احزاب نیز رایزنی و نظرخواهی صورت گیرد.

رئیس خانه احزاب خاطرنشان کرد: بر این اساس برای برقراری همکاری و روابط با خانه احزاب و قوه قضاییه آقای الهام به عنوان نماینده این قوه در خانه احزاب معرفی شد.

وی با اشاره به اینکه تا پایان دوره دوم خانه احزاب در اغلب استان‌ها خانه احزاب آغاز به کار می‌کند، گفت: برای تشکیل خانه احزاب در استان‌ها با معاونت‌های سیاسی استانداری‌ها مکاتبه کرده ایم و مسایل مطرح است و خانه احزاب در استان‌های گیلان، اردبیل، آذربایجان غربی و همدان نیز دایر شده است.

غفوری فرد خاطرنشان کرد، در خصوص پارانه مقدار و زمان پرداخت پارانه خانه احزاب با وزارت کشور مسایلی داریم که امیدواریم با پیگیری‌های دولت و ریاست جمهوری این مساله حل می‌شود.

در حاشیه برگزاری مجمع عمومی فوق العاده خانه احزاب ایران

مجمع عمومی فوق العاده خانه احزاب ایران روز پنجشنبه برای امضای منشور وفاق با حضور تعدادی از احزاب در محل سالن اجتماعات وزارت کشور برگزار شد.

به گزارش خبرنگار سیاسی مهر، این همایش ساعت 9 صبح در حالی آغاز شد که تعداد نمایندگان احزاب حاضر در آن به حد نصاب ممکن نرسیده بود.

بر اساس این گزارش طبق اسناسنامه خانه احزاب ایران برای برگزاری اولین مجمع عمومی فوق العاده حضور بیش از دو سوم احزاب عضو که شامل 114 حزب می‌باشد، ضروری است.

ابوالقاسم رئوفیان سخنگوی خانه احزاب در ابتدای همایش برای انتخاب هیات رئیسه همایش پیشنهاد کرد، هیات رئیسه خانه احزاب که در کوران مسایل بوده اند و بهتر می‌توانند جلسه را اداره کنند، این

مسئولیت را بر عهده بگیرند که این پیشنهاد مورد اعتراض حسین شیخانی دبیرکل حزب مردم و برخی دیگر از احزاب قرار گرفت.

این گزارش حاکی است، نمایندگان برخی احزاب نیز معتقد بودند که جلسه به علت به حد نصاب نرسیدن و رسمیت نداشتن نمی تواند بحث و بررسی خاصی درباره منشور وفاق داشته باشد. محسن کوهکن نماینده لنجان نیز که در این جلسه حضور داشت پیشنهاد کرد عده ای به عنوان داوطلب عضویت در هیات رییس هیات همایش ثبت نام کرده و رای گیری درباره آن صورت پذیرد و هیات رییس از این طریق انتخاب شوند که این پیشنهاد مورد توافق بیشتر نمایندگان احزاب قرار گرفت. 28 تشکل درخواست ارایه پیشنهاد کرده بودند که قرار شد تا به حد نصاب رسیدن جلسه این تشکل ها پیشنهادات خود را ارائه کنند و پیش از آن نیز حسن غفوری فرد گزارشی از روند کار خانه احزاب ارایه کند.

منشور احزاب ایران توسط کمیته ای متشکل از علی شکوری راد، مرتضی مبلغ و مرتضی نبوی تدوین و به همه احزاب عضو خانه احزاب ارسال شد و هر کدام از تشکل های سیاسی کشور نظرات و پیشنهادات خود را درباره محتوای آن ارایه کردند.

این منشور قرار است پس از اعمال پیشنهادات و نظرات اصلاحی به امضای احزاب و تشکل های سیاسی کشور برسد گر چه نظرات ارایه شده از سوی تعدادی از احزاب که نمایندگان آنان نظرات خود را در همایش امروز اعلام کنند، نشان می دهد که برخی از تشکل های سیاسی به این منشور اعتقادی ندارند.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: پنجشنبه 21 خرداد

بی بی سی - پنج شنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

روزنامه های آخر هفته تهران در صدر اخبار خود گزارش های مربوط به قطعنامه شورای امنیت درباره آینده عراق و تصمیم کشورهای اروپایی درباره پرونده هسته ای ایران را منعکس کرده اند. **کیهان** نظر سخنگوی وزارت خارجه را درباره قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برای آینده عراق بدون تفسیری منعکس کرده که آن را دارای نکات مثبت خوانده است.

به نوشته روزنامه **ایران** حمیدرضا آصفی گفته است قطعنامه جدید شورای امنیت گامی در جهت حاکمیت کامل مردم عراق به سرنوشت خود و کنترل منابع طبیعی خویش بوده و متضمن صلاحیت دولت عراق در پایان دادن به مأموریت نیروهای خارجی و رفع کامل اشغال این کشور است. روزنامه **جمهوری اسلامی** در ادامه مخالفت های خود با دولت موقت عراق در صدر اخبار خود از تظاهرات مردم عراق علیه قانون اساسی جدید خبر داده و از قول ناظران نوشته مردم عراق قانون اساسی اسلامی می خواهند.

روزنامه **جمهوری اسلامی** نوشته شورای حکومتی عراق که اعضایش را آمریکا و انگلیس برگزیده اند، اسفندماه گذشته قانون اساسی جدید عراق را تصویب کرد.

آفتاب یزد نظر صادق زیبا کلام استاد دانشگاه را با اهمیت دیده که گفته است به بازار عراق توجه کنیم نه سرنوشت آمریکا در آن کشور.

شرق که قطعنامه سه کشور اروپایی را درباره پرونده هسته ای ایران در سر اخبار خود آورده در سرمقاله نوشته اگر ایران در همکاری اش با آژانس بین المللی انرژی اتمی سیاست خرید وقت را در پیش گرفته باشد، در صورت نرفتن پرونده به شورای امنیت، این سیاست ایران موفقیت آمیز بوده است. به نوشته مهران کرمی در سرمقاله **شرق** اگر انتقاد سه قدرت بزرگ اروپایی، بخشی از تپانی ایران و اروپا برای در اقلیت قرار دادن گروه رادیکال شورای حکام به رهبری آمریکا باشد، می توان امیدوار بود که به درازا کشیدن سیر بررسی پرونده ایران پایانی مطلوب بیابد.

وقایع اتفاقیه از زبان سعیدی مسوول روابط بین المللی سازمان انرژی اتمی ایران نوشته لحن، مفاهیم و عبارات قطعنامه سه کشور اروپایی برای ما بسیار مهم است و نشان دهنده قصد آن ها در برخورد با ماست.

همشهری از قول یک مقام آگاه دیپلماتیک در تهران نوشته هدف بریتانیا، آلمان و فرانسه از تهیه قطعنامه ای پیرامون برنامه هسته ای ایران این است که نظر ایالات متحده را تا حدودی تأمین کنند که بحث ها مانند دفعات قبل به درازا نکشد و پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل احاله نشود. **آفتاب یزد** در سرمقاله خود از مسوولان کشور گلایه کرده که چرا با مردم رودرپاستی دارند و مسائل مهم را با آنان در میان نمی گذارند و از جمله به آن ها نمی گویند که اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس و هیات رییس سازمان بین المللی انرژی اتمی چه در نظر دارند. چون می ترسند خواب از چشم مردم بریده شود.

در حالی که روزنامه های مختلف به تجلیل از دولت به خاطر تهیه لایحه رعایت حریم خصوصی مردم پرداخته اند **کیهان** با چاپ کاریکاتوری ناراضی خود را نسبت به این لایحه نشان داده است. کاریکاتوریست **کیهان** خانواده ای مرفه در ویلا مجهز کنار دریا با اتومبیلی گران قیمت را تجسم کرده که بر در ورودی خود نوشته ورود به حریم خصوصی ممنوع و در کنار آن ویلا مجلل عده ای فقیر در حصارند.

وقایع اتفاقیه در گزارشی پیرامون لایحه رعایت حریم خصوصی که توسط دولت تهیه شده است نوشته این لایحه پس از تصویب در هیأت دولت روانه مجلس هفتم خواهد شد تا راه‌یافتگان به پارلمان را با آزمونی جدی روبه‌رو کند.

نماینده سابق نهاوند در مقاله ای در **وقایع اتفاقیه** پیرامون کارهایی که مجلس هفتم می‌تواند در بررسی شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور انجام دهد نوشته بدون جلب سرمایه‌های خارجی و تصحیح سیاست جهانی، و دادن امنیت به مردم، بهبود شرایط اقتصادی غیر ممکن است. به نوشته علی حسینی مردم باید احساس آزادی کنند، راحت نفس بکشند، احساس کنند کسی خلوت آنها را زیر نظر ندارد، هر کس می‌تواند حرف بزند، انتقاد کند و در چارچوب قانون اساسی زندگی نماید و موافق و مخالف امورات کشور باشد.

نویسنده مقاله وقایع اتفاقیه اظهار نظر کرده که ریش داشتن و نداشتن، شرکت یا عدم شرکت در نماز جمعه، رفتن یا نرفتن به نمازخانه مدارس و دانشگاه‌ها خط کش‌گزینش‌ها نباشد، اصرار به گریه مفرط به جای تفریح، افسردگی به جای شادی، موعظه شنیدن از رسانه‌های رسمی به جای برنامه‌های علمی اخلاقی و روانشناسانه، ملاک و ارزش نباشد.

معاون کنسولی وزارت خارجه در مصاحبه با **شرق** تاکید کرده که همه ایرانیان بدون توجه به اتهاماتی که ممکن است داشته باشند از خدمات کنسولی و گذرنامه ای وزارت خارجه بهره‌مند می‌شوند و در این کار هیچ شرطی وجود ندارد.

محمد علی هادی به خبرنگار **شرق** گفته به اعتقاد من ایرانیان خارج از کشور باید در مجلس ایران چند نماینده داشته باشند چون الان یک جمعیت چند میلیون نفری در خارج هستند.

در بحث پیرامون وظایف و کارهای در دستور مجلس هفتم **کیهان** نوشته مجلس هفتم برای مقابله با سیاست‌های اصلاح‌طلبان یک الگوی کاملاً موفق جلوی چشم خود دارد و آن شهرداری و شورای شهر تهران در یک سال گذشته است.

کیهان در گزارشی خبر داده که وحشت در خوابگاه‌های دانشجویی و مراکز تجمع جوانان از زلزله تهران هنوز رخت بر نیسته و مبنای به عقب افتادن امتحانات شده است.

در گزارش **کیهان** ایجاد اضطراب در جوانان، به گروه‌های سیاسی نسبت داده شده که با ایجاد صدا های ترسناک در خوابگاه‌های دانشجویان در هنگام شب، مانع از تمرکز فکری دانشجویان در هنگام امتحانات پایان ترم می‌شوند.

به نوشته **کیهان** گروهی از دانشجویان در اطلاعیه ای نوشته اند در چند سال اخیر قضایایی در ایام امتحانات پایان ترم (خرداد و تیر) رخ داده که با مقاصد سیاسی انجام شده است و برخی‌ها قصد به تعویق انداختن امتحانات پایان ترم و ایجاد اغتشاش در دانشگاه‌ها را داشته‌اند که این اعمال فقط به ضرر دانشجویان تمام می‌شود.

در گزارش **کیهان** اشاره به سالگرد دستگیری دانشجویان در سال گذشته و نزدیک بودن سالگرد فاجعه کوی دانشگاه نشده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رژیم ایران

جلسه توجیه شورای حکام آغاز شد

پنجشنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

خبرگزاری فارس: جلسه توجیه شورای حکام در باره گزارش البرادعی به این شورا بعد از ظهر امروز در وین آغاز شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس از وین، در این جلسه مسئولان گروه‌های بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از تاسیسات ایران بازدید کرده‌اند گزارش البرادعی به شورای حکام را برای اعضای این شورا تشریح میکنند.

گزارش البرادعی در حالی برای اعضای شورای حکام تشریح میشود که با گزارش بازرسان اعزامی این آژانس به ایران تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد.

گزارش بازرسان غالباً گزارش‌های فنی و حقوقی است در حالیکه گزارش البرادعی معمولاً با توجه به ملاحظات سیاسی تدوین میشود.

گزارش البرادعی به شورای حکام، جمعه گذشته مورخ 83/03/15 ارائه شد.

حمیدرضا آصفی در واکنش به مواضع سران گروه - 8 درباره‌ی توان هسته‌ی ایران گفت: این مواضع غیرمنطقی و مغایر با حقایق است.

پنجشنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) حمید رضا آصفی، سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران پایبندی کامل خود را در قبال منع اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ی و پادمان در عمل نشان داده و همکاری گسترده و شفاف جمهوری اسلامی ایران با آژانس موید این مطلب است.

آصفی افزود: تاکنون هیچ انحرافی از فعالیت‌های هسته‌بی ایران مشاهده نشده و آنچه این روزها پیرامون فعالیت‌های ایران مطرح می‌شود، نوعی ایجاد فشار و فضا سازی تبلیغاتی است. سخنگوی وزارت خارجه گفت: همکاری ایران با آژانس و کشورهای اروپایی در پرتو تعهدات متقابل صورت گرفته و استمرار این همکاری‌ها با پایبندی طرف مقابل به تعهدات خود تضمین می‌شود. وی تصریح کرد: استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌بی حق مسلم ایران است و ما از آن طرف نظر نخواهیم کرد و کشورهای گروه - 8 نباید انتظار داشته باشند، ایران از این حق خود صرف نظر کند؛ بلکه برای استفاده‌ی ایران از این فن‌آوری تسهیلات و امکانات لازم را در اختیار بگذارند.

گروه هشت ایران را به همکاری‌های بیشتر با آژانس بین المللی انرژی اتمی فرا خواند

پنجشنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

کشورهای عضو گروه هشت در نشست امروز خود از ایران خواستند تا همکاری‌های خود را با آژانس بین المللی انرژی اتمی بیش از پیش افزایش دهد .

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از رویترز، هفت کشور صنعتی و روسیه که گروه هشت را تشکیل می دهند در نشست امروز خود در سی آیلند واقع در جورجیای آمریکا خواستار کنترل فعالیت‌های هسته ای کشورها شدند .

دربانیه گروه هشت آمده است : فعالیت‌های هسته ای کشورها از قبیل غنی سازی اورانیوم باید تحت کنترل آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار گیرد .

در بخش دیگری از این بیانیه کشورهای گروه هشت ایران را به همکاری‌های بیشتر با آژانس بین المللی انرژی اتمی فرا خوانده و از بازرسان آژانس خواسته اند تا با بررسی های لازم مشخص کنند که آیا ایران از فعالیت‌های هسته ای خود اهداف نظامی را دنبال می کند یا خیر ؟

مقامات آمریکایی با تکرار ادعاهای واهی خود و هشدار به ایران خواستار توقف کامل برنامه های هسته ای این کشور شدند .

در بخش دیگری از بیانیه گروه هشت آمده است که کره شمالی نیز باید در راستای پایان دادن به بحران هسته ای خود گام‌های موثر و جدی بردارد .

گفتنی است گروه هشت شامل کشورهای آلمان ، آمریکا ، انگلیس ، فرانسه ، ایتالیا ، ژاپن ، کانادا و روسیه است .

سرمقاله های مطبوعات ایران پیرامون پرونده فعالیت‌های هسته ای ایران

پنجشنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

سرویس سیاسی مهر - با نزدیک شدن به زمان نشست شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و طرح پرونده فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در این نشست همراه با رسانه های خبری دنیا

مطبوعات ایران نیز مجدانه پیگیر سرنوشت این پرونده و ارائه تحلیل و خبر پیرامون آن هستند. از این رو برای آگاهی و سهولت کار برای علاقمندانی که پیگیر این موضوع هستند از امروز تمامی سرمقاله های مطبوعات ایران که به این موضوع پرداخته اند بر روی خروجی مهر منعکس خواهد شد.

روزنامه توسعه در سرمقاله امروز (21 خرداد 1383) خود با عنوان مثلث اروپا و بازی های دوگانه

سیاسی می نویسد:

اقدام کشورهای انگلیس ، آلمان و فرانسه در تهیه قطعنامه ای که طی آن ایران به دلیل آنچه عدم همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی خوانده شده مورد انتقاد قرار گرفته است، شگفتی محافل

سیاسی به ویژه در ایران را برانگیخته است. این کشورها که به دلیل همکاری هایشان به ویژه در عرصه های اقتصادی و عمدتاً در مورد مسائل خاورمیانه و در ارتباط با ایران به مثلث اروپا معروف شده

اند ، در این قطعنامه برخلاف مواضع قبلی خود که حاکی از تایید اقدامات ایران در همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی بود، ضمن این که خواستار ادامه همکاری های بین المللی با ایران شده اند ،

جمهوری اسلامی ایران را به خاطر آنچه به زعم آنها ندادن گزارش کامل و شفاف در مورد فعالیت های هسته ای به آژانس بین المللی است شدیداً مورد انتقاد قرار داده اند.

این رفتار دوگانه مثلث اروپا ، اگر چه با توجه به سیاست های قبلی آنان در قبال ایران که می توان آن را به زبان عامیانه " دو دوزه" بازی سیاسی نامید، چندان عجیب به نظر نمی رسد اما در شرایطی که قرار

است يك گروه از صاحب نظران حقوق بشر اتحادیه اروپا هفته آینده چهارمین دور گفتگوهای اتحادیه اروپا با ایران را در زمینه حقوق بشر و رفع اتهامات موجود در این زمینه آغاز کنند غیرمنتظره است. در این

حال با نگاهی به اظهارات " کنت بریل" سفیر و نماینده آمریکا در سازمان بین المللی انرژی اتمی که هفته گذشته ایران را متهم به فریبکاری و پنهان داشتن برنامه های خود برای تولید سلاح های هسته

ای کرده بود می توان موضع گیری اخیر سه کشور اروپایی را در مورد برنامه های هسته ای ایران با تامل بیشتری مورد بررسی قرار داد .

به نظر می رسد کشورهای فرانسه ، آلمان و انگلیس که به رغم برخی از مخالفت‌هایی که مخصوصاً از سوی آلمان و فرانسه در مورد سیاست های کاخ سفید در خاورمیانه ابراز شده است، با تنظیم

قطعنامه اخیر سعی کرده اند چندین گام خود را به واشنگتن نزدیک تر کنند و این در حالی است که به

گمان آنها اینک وقت آن است که در تقسیم غنایمی که آمریکا در حمله به عراق نصیب خود کرده است ، با ایالات متحده شریک شوند.

در عین حال این سه کشور اروپایی که در صدر جدول شرکای اقتصادی ایران قرار دارند سعی دارند ضمن هم سوئی با سیاست های آمریکا ، موقعیت خود را در ایران نیز از دست ندهند و به همین دلیل در قطعنامه تنظیم شده ضمن انتقاد شدید از ایران ، خواستار ادامه همکاری های بین المللی در ایران شده اند . اجرای چنین سیاستی از سوی مثلث اروپا ، این واقعیت را برای چندمین بار به ما یاد آوری می کند که این سه کشور بیش از هر چیز در عرصه سیاست خارجی به تامین منافع خود می اندیشند و بنابراین نمی توانند چندان قابل اعتماد به حساب بیایند و دستگاه سیاست خارجی ایران باید با توجه به همین رفتارهای دوگانه در تنظیم روابط خود با این سه کشور جانب احتیاط را حفظ کند.

به هر حال آنچه مسلم است، مثلث اروپا و آمریکایی ها در سیاست خارجی خود بیش از هر چیز به تامین منافع خود می اندیشند و موضع گیری های آنها نیز مبتنی بر همین اصلاحات ، با این تفاوت که آمریکا بی ها بر پایه اخلاق سنیت و شخصیت " کابویی" خود رفتارشان مبتنی بر زور و اسلحه و تهدید است و سه کشور اروپایی سعی می کنند با بازی های سیاسی منافع خود را تامین کنند و در نهایت هر دو به يك اندازه می توانند برای ما خطرناک باشند.

روزنامه فرهنگ آشتی نیز در سرمقاله خود با عنوان "اروپا سرمست از حاکمیت دوگانه ایران" به قلم هومان دوراندیش می نویسد:
ماجرای فعالیت های هسته ای ایران ، پس از گذشت يك سال ، دیگر امروز به داستان کشدار و اندوه باری تبدیل شده که برای افکار عمومی ایرانیان بیش از آن که سوال پرور باشد، ملال آور است.

قطعنامه پیشنهادی کشورهای آلمان ، فرانسه و انگلستان در آستانه نشست شورای حکام در حالی صادر می شود که اتحادیه اروپا در يك سال گذشته این پرونده را به بارزترین شکلی دستمایه اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران ساخته است. جهان غرب در کلیت خود در قبال پرونده فعالیت های هسته ای ایران استراتژی واحد و تاکتیکی دوگانه دارد. به عبارت دیگر غربی ها با احساس خطر از امکان دستیابی ایران به سلاح های هسته ای در صدد ممانعت از تحقق چنین امری هستند و در این راستا سیاستی را اتخاذ کرده اند که در دو فاز اعمال می شود ؛ اتحادیه اروپا عمدتاً با استفاده از سیاست "گفت و گو" و ایالات متحده آمریکا صرفاً با تکیه بر "تهدید" در تلاش برای مهار کردن ایران هستند.

بسیاری از عالمان سیاست ، سیاست خارجی را ادامه سیاست داخلی می دانند. این قول حداقل در باب سیاست خارجی ایران در سال های اخیر صادق است. در ایران پس از دوم خرداد، بروز پدیده حاکمیت دوگانه باعث شد تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز سیاستی دوگانه شود. بدین معنا که اصلاح طلبان از تنش زدایی دم می زدند ولی محافظه کاران با ادبیاتی صحبت می کردند که مدلولی جز تنش زایی نداشت. این وضعیت که در حال حاضر نیز حاکم است، شرایطی را پدید آورده که فی المثل نایب رییسان مجلس ششم هر دو بر این باور بودند که اصولاً فناوری هسته ای ایران در شرایط کنونی چندان اهمیتی ندارد و بنابراین چالش با جهان غرب بر سر این موضوع در خدمت منافع ایران نیست. پذیرش دیر هنگام پروتکل الحاقی ، پس از ماهها مشاجره میان اصلاح طلبان و محافظه کاران به خوبی نشان دهنده حاکمیت دوگانه مورد بحث است. چنین وضعیتی را کمتر عالمی در حوزه سیاست به عنوان مصداقی از حاکمیت دوگانه کارکردی می داند. با این حال این وضعیت منجر به بروز دوگانگی در سیاست جمهوری اسلامی در قبال پرونده فعالیت های هسته ای ایران نشده است؛ چرا که حکمت ایران در نهایت پروتکل الحاقی را پذیرفت و با تن دادن به بازرسی ها و آرایه گزارش به آژانس بین المللی انرژی اتمی ، سیاست واحدی را در این زمینه اتخاذ کرد. اما این سیاست یگانه در شرایطی که مسبقاً به حاکمیت دوگانه غیر کارکردی است. راه را بر جهان غرب باز می کند تا با فراغ بال بیشتری جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهد. به عبارت دیگر جهان غرب با مفروض گرفتن این نکته که مشروعیت اصلاح طلبان و محافظه کاران در داخل ایران تضعیف شده است، جسورانه تر از سال های آغازین جنبش اصلاحات در ایران، دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به بازی می گیرد. از سوئی دیگر پذیرش پروتکل الحاقی از جانب جمهوری اسلامی ایران را نمی توان اقدامی برآمده از سیاست تنش زدایی دانست؛ چرا که اولاً این سیاست همواره مورد اعتراض کسانی بود که دولت اتمی را در طول هفت سال گذشته با بحران های متعدد مواجه ساختند و سرانجام با عملکرد خود باعث شکست اصلاحات در ایران شدند، ثانیاً اگر بنا بود این پذیرش در راستای سیاست تنش زدایی باشد، می بایست خصلتی فاعلانه - و نه انفعالی - به خود می گرفت . خصلت انفعالی این قبول و تمکین چیزی نبود که از دید تیزبین سیاستمداران کار کشته جهان غرب مخفی بماند.

بنابراین می توان گفت به رغم این که پس از امضای پروتکل الحاقی ، خاتمی به صراحت بیرون آمدن ایران از گوشه رینگ را اعلام کرد ولی ظاهراً دولتمردان غربی چندان با رییس جمهور نکته پرداز ایران

موافق نیستند و هنوز خود را در مقام بوکسوری می بینند که حریف را گوشه رینگ به دام انداخته است. همنوایی اتحادیه اروپا با شورای همکاری خلیج فارس در ماجرای جزایر مورد اختلاف ایران و امارات، بیش از آنکه ناشی از دلسوزی اروپا برای امارات باشد نشانه اعمال فشار بر ایران در آستانه تشکیل اجلاس شورای حکام است.

قطعنامه پیشنهادی اخیر آلمان، انگلستان و فرانسه نیز دقیقاً ناشی از اعتماد به نفسی است که در نتیجه روند تحولات داخلی ایران نصیب اتحادیه اروپا شده است. بدیهی است که ایران برای خارج شدن از گوشه رینگ در حوزه سیاست خارجی نیاز به بازسازی سیاست داخلی دارد. اما آیا در شرایط کنونی چنین چشم اندازی در سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟

روزنامه شرق نیز در سرمقاله ای با عنوان "سیاست خرید وقت" به قلم مهران کرمی می نویسد: شمارش معکوس برای برگزاری جلسه کاری شورای حکام آژانس درباره ایران به عدد چهار رسیده است. هر چند که محمد البرادعی در اظهارات اولیه اش پس از دریافت گزارش ایران به آژانس، از همکاری خوب تهران تشکر کرد، اما انتشار غیررسمی بخش هایی از این گزارش و سپس انتشار بیانیه شدیدالحن پیشنهادی سه کشور آلمان، فرانسه و بریتانیا که ایران را به سبب پنهان کاری و همکاری ناقص با آژانس سرزنش کرده اند، گویای آن است که در چند روز آینده بر حجم تبلیغات درباره این پرونده افزایش می یابد و نتیجه نشست نیز چیزی نخواهد بود که پیشتر حسن روحانی و کمال خرازی وعده آن را داده بودند. این سه کشور نقطه قوت ایران در تعامل با آژانس بودند و حتی پروتکل الحاقی نیز با پا درمیانی آنها به امضای ایران رسید.

در سایه قول هایی که این سه به ایران داده بودند، تهران نتوانست گروه کاری کشورهای جهان سوم را فعال کند و آرای لازم را برای تعدیل موضع گیری نهایی شورای حکام به دست آورد.

اما شرایط بعداً به گونه ای پیش رفت که در اجلاس اسفند ماه، برلین، لندن و پاریس موضع انتقادی تری در قبال نحوه همکاری ایران با آژانس در پیش گرفتند و به نظر می رسد در اجلاس آینده با صراحت و شدت بیشتری از ایران انتقاد کنند تا آنجا که آمریکا نیز به طور ضمنی از موضع این سه حمایت می کند و چندان اصراری بر کشاندن پرونده به شورای امنیت سازمان ملل نمی ورزد.

اگر ایران در همکاری اش با آژانس بین المللی انرژی اتمی سیاست خرید وقت را در پیش گرفته باشد، در صورت نرفتن پرونده به شورای امنیت، می توان گفت که سیاست ایران موفقیت آمیز بوده است. اما متولیان امر بعید است چنین نظری داشته باشند.

آنها حداقل در سیاست اعلامی خود خواهان بسته شدن پرونده در کوتاه ترین زمان هستند. در همین حال انتقاد «سه بزرگ» اروپایی در چارچوب قطعنامه پیشنهادی برای اجلاس قریب الوقوع شورای حکام را نیز می توان بخشی از تبانی ایران و اروپا برای در اقلیت قرار دادن گروه رادیکال شورای حکام به رهبری آمریکا قلمداد کرد. در چنین صورتی هم می توان امیدوار بود که به درازا کشیدن سیر بررسی پرونده ایران پایانی مطلوب بیابد.

اما قطعنامه انتقادآمیز آلمان، فرانسه و انگلیس می تواند پرده از این واقعیت نیز بردارد که آنها هم که تاکنون میدان داری کرده و عمدتاً منافع ایران را در تعامل با آژانس لحاظ کرده اند، از به درازا کشیدن پرونده خسته شده و به اصطلاح به سیم آخر زده اند.

این احتمال بدترین حالت برای ایران و بهترین موقعیت برای رقیب اصلی آن در پیگیری برنامه غنی سازی اورانیوم است. در خوش بینانه ترین حالت، به درازا کشیدن مناقشه موجب تکرار اتهامات و افزایش حجم تبلیغات درباره میزان توانایی هسته ای ایران و ادعای تلاش برای ساخت سلاح های کشتار جمعی می شود.

اما در حالت بدبینانه می تواند زمینه مشروعیت بین المللی تدبیر تاسیسات هسته ای ایران را به هدفی برای ماجراجویی های نظامی کشورهای که در این زمینه سابقه دارند، فراهم کند.

گوناگون

جایگاه ایران در استراتژی کلان آمریکا
وقایع اتفاقیه - پنجشنبه 21 خرداد 1383 - 10 ژوئن 2004

گفت‌وگو با دکتر یوسف مولایی

با نزدیک شدن موعد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، گمانه‌زنی‌های متفاوتی پیرامون نقش این انتخابات در مناسبات آتی تهران-واشنگتن آغاز شده است. گروهی از کارشناسان، بر این باورند که به دلیل ساختار منسجم دیپلماسی آمریکا، تغییر افراد و احزاب در رأس قوه مجریه آمریکا، باعث تجدیدنظر اساسی کاخ سفید و سیاست‌های جهانی خود و از جمله در مورد ایران، نخواهد شد. در نقطه مقابل، پاره‌ای دیگر از کارشناسان معتقدند، پیروزی احتمالی نامزد احزاب جمهوریخواه و دموکرات، متغیری تأثیرگذار در تعیین سمت و سوی روابط ایران و آمریکا است. دکتر یوسف مولایی، کارشناس حقوق بین‌الملل از زمره کارشناسانی است که تأکید دارند نیازها و ضرورت‌های مطروحه در زمان ریاست جمهوری جمهوریخواهان، با راهیابی دموکرات‌ها به کاخ سفید نیز وجود خواهد داشت و تغییرات را در بعد تاکتیک شاهد خواهیم بود و نه استراتژی. استاد دانشگاه تهران تشدید سیاست‌های نرم‌افزاری در زمینه حقوق بشر را با انتخابات جان کری محتمل دانسته و در عین حال انتظار بهبود شرایط حقوق بشر در ایران از جانب غرب را به عنوان معضلی پیچیده و حساس قلمداد کرده و با برخی اقدامات در داخل متقاعد کردن دیگر کشورها را امری امکان‌پذیر ارزیابی می‌نماید.

اگر جان کری هم به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود باز هم مسأله خلع سلاح ایران را مطرح خواهد کرد

دفاع از حقوق بشر در قالب حکومت‌های ملی هیچگاه به ضرر منافع و وحدت ملی نیست. آمریکایی‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم منتظر اقدام عملی ایران هستند و در مقوله سلاح‌های هسته‌ای، مدل رفتاری لیبی را برای ما تعریف کرده‌اند.

رفتارشناسی سیاست خارجی آمریکا نیازمند تبیین واقعی استراتژی کلان این کشور است. این استراتژی کلان مبتنی بر چه محورهایی است؟

آمریکا مانند هر کشور دیگر استراتژی کلان خود را در چارچوب دفاع از منافع ملی خویش تعریف می‌کند. با توجه به سطح توسعه سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا، دفاع از منافع ملی این کشور مستلزم حاکم نمودن هژمونی خود بر جهان سرمایه‌داری است، به عبارتی بتواند بیشترین تأثیر را در عرصه‌هایی که به حضور کشورها در جامعه جهانی مربوط می‌شود بر جای گذارد. در این چارچوب آمریکا هم درصدد جهانشمول کردن ارزش‌های فرهنگی و باورهای اخلاقی خویش است و هم برای ایجاد حداکثر امنیت سرمایه در سطح جهان که خود در رأس سرمایه‌داری قرار می‌گیرد، می‌کوشد. لذا حفظ منافع ملی آمریکا ایجاب می‌کند که بازارهای جهانی هرچه بیشتر یکپارچه و در هم ادغام شود، محدودیت‌های مربوط به گردش کالا و سرمایه از بین برود و آمریکا با تحریک‌بخشی به گردش سرمایه و کالا بتواند بیشترین سود را از مبادلات تجاری و اقتصادی جهان نصیب خود کند، بدین‌ترتیب منافع ملی بیشتر حمایت شده و نتیجتاً به تداوم حیات آمریکا می‌انجامد.

جایگاه حقوق بشر در این استراتژی و نحوه تعامل آن با منافع ملی آمریکا چگونه است؟

بحث حقوق بشر از دهه 70 در سیاست خارجی آمریکا جایگاه بااهمیتی دارد. در جریان جنگ سرد و مشخصاً از دهه 70 آمریکا به این نتیجه رسید که بایستی بخشی از سیاست‌های خود را به صورت نرم‌افزاری تعریف کند. با توجه به تأکید فراوان به مفهوم عدالت در بلوک شرق و جذابیت‌های این مفهوم در کشورهای پیرامونی اتحاد جماهیر شوروی که به جذب بخشی از جنبش‌های ملی به طرف خود می‌انجامید، آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که با تقویت مفهوم حقوق بشر بتوانند جذابیت رقیبی برای اردوگاه شرق ایجاد کنند، چراکه حقوق بشر درون خود دارای چنین جذابیت‌هایی بود که بتواند به یک جریان روشنفکری و نیز جریان سیاسی-اجتماعی در سطح جهان تبدیل شود. لذا حقوق بشر علاوه بر اینکه بخشی از نظام ارزشی-فرهنگی آمریکا است؛ به بخشی از استراتژی‌ها و سیاست‌های خارجی این کشور نیز بدل شده که نمی‌توان میان جنبه‌های مختلف استراتژیکی، ارزشی، اخلاقی و فرهنگی آن از یکدیگر تفکیک ایجاد نمود. شما نمی‌توانید بگویید اگر آمریکا محدوده دفاع از دموکراسی در کشورهای دیگر را مطرح می‌کند، صرفاً به خاطر منافع و تاکتیک‌های سیاسی است و یا به علت نظام ارزشی که به آن معتقد است. مجموعه‌ای از این مسائل مطرح است که قابل تفکیک نیست. آمریکا با پیگیری این بحث از 1970 به این سو در مبارزه با بلوک شرق از مقوله نرم‌افزاری بیشتر بهره برده و با هزینه‌های کمتر، دستاوردهای بزرگتری را به دست آورده است. امروز این سیاست در مقابله با بنیادگرایی مجدداً تجربه می‌شود. منظور از بنیادگرایی صرفاً بنیادگرایی مذهبی نیست، بلکه دیدگاهی مطرح است که با گلوبالیزشن و یکپارچه کردن جامعه جهانی بیشترین تضاد را دارد و فقط کشورهای مسلمان نیستند که در محدوده این بنیادگرایی قرار می‌گیرند، بلکه کشورهایی که نسبت به استقلال خود دغدغه دارند و روند جهانی شدن را به دید یک خطر می‌نگرند و به لحاظ فرهنگی در مقابل ارزش‌های نامأنوس با چارچوب ارزشی خود مقاومت می‌کنند، در هر گوشه از جامعه جهانی می‌توانند به تهدیدی در مقابل سیاست‌های آمریکا بدل شوند. لذا آمریکا با دفاع از مقوله حقوق بشر می‌خواهد تجربه‌ای را که در مبارزه با بلوک شرق به دست آورده، در مقابل تهدیدات جدید حاکم بر جامعه جهانی بکاربرد.

به این ترتیب دفاع از نهادینه شدن حقوق بشر در راستای منافع ملی آمریکا تعریف می‌شود؟

آمریکا این تضاد را در چارچوب سیاست‌های خود حل کرده، یعنی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی هیچ ضرری به منافع آمریکا نمی‌زند، زیرا دموکراسی و دفاع از حقوق بشر برخاسته از نظام ارزشی غرب

بوده که آمریکا کاملاً به آن آشنایی دارد و مانوس است. می‌توان پرسش را به گونه‌ای دیگر نیز مطرح نمود و آن اینکه آیا دفاع از حقوق بشر در راستای سیاست‌های خارجی آمریکا می‌تواند به منافع کشورهای دیگر لطمه بزند که در پاسخ به آن بایستی وضعیت خاص هر کشور مدنظر قرار گیرد. اگر دفاع از حقوق بشر در هر کشوری موجب تقویت پایه‌های حاکمیت و وحدت ملی باشد، در آن صورت بایستی مورد تأکید و توجه قرار گیرد. به اعتقاد من، دفاع از حقوق بشر در قالب حکومت‌های ملی هیچگاه به ضرر منافع و وحدت ملی نیست. و در مقابل، مقاومت در برابر این مسأله موجب بهره‌برداری کشورهای غربی از آن شده و خلأ موجود را مورد استفاده قرار می‌دهند. به عنوان مثال کشورهای بلوک شرق نمی‌توانستند درک کنند که آزادی‌های فردی برای هر انسان حائز اهمیت است و باید آن را تقویت کرد. آمریکا از خلأ موجود که هم جایگاه و ارزش زیادی در این کشورها داشت و از جانب دیگر به آن پرداخته نشده و توجهی نمی‌شد، بهره‌برداری کرد. اکنون هم اگر به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی برخی کشورها سعی در نادیده گرفتن اهمیت آزادی‌های فردی داشته باشند، خلأیی ایجاد خواهند کرد که با بهره‌برداری آمریکا از آن حاکمیت ملی هم دستخوش آسیب خواهد شد.

طرح خاورمیانه بزرگ نیز در جهت حذف چنین خلأهایی گام برخواهد داشت؟

طرح خاورمیانه دموکراتیک در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون طراحی شده و پایه‌های فکری آن به دوره دموکرات‌ها بازمی‌گردد. آن مدل رفتاری که آمریکا و کشورهای غربی در دوره جنگ سرد در مقابل بلوک شرق به کار می‌بردند و از طریق پرداختن و تبلیغ حقوق بشر توانستند با سیاست‌های نرم‌افزاری برخی اهداف خود را تأمین کنند، بار دیگر مجدداً در طرح بزرگ خاورمیانه دموکراتیک به آزمایش گذاشته خواهد شد و از این طریق آرایش سیاسی کشورهای منطقه تغییر یافته و راه برای همکاری گسترده و تعامل منطقی حاکمیت‌های ملی در منطقه با کشورهای قدرتمند از جمله آمریکا هموار خواهد شد.

حمله به افغانستان و عراق پس از حوادث 11 سپتامبر، فرآیند عملیاتی شدن برخی وجوه استراتژی بلندمدت آمریکا بوده است یا حاصل تصمیم‌گیری‌های متناسب با شرایط جدید که اولویت‌های کاری برنامه‌های کلان خارجی را دچار تغییر نمود؟

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در پی هژمونی و حفظ سرکردگی خویش در جامعه جهانی بوده است. این استراتژی در مورد کشورهای دیگری نیز که به قدرت می‌رسند صادق است. این گونه کشورها می‌خواهند سیاست‌ها و نظام ارزشی خود را فراگیر کنند تا از طریق آن بیشتر از منافع ملی خویش دفاع کنند. با توجه به اهمیت منطقه خاورمیانه چه در مقوله انرژی و چه در مقوله سرمایه‌های نهفته و نیز به لحاظ قرارگرفتن در مرکز و گذرگاه ارتباطی غرب و شرق، پتانسیل‌های زیادی در این منطقه نهفته است که در صورت فعال شدن و ورود به بازار سرمایه، هم سرمایه‌داری از آن سود می‌برد و هم موجب رفاه و ترقی منطقه خواهد شد. این اصل در چارچوب استراتژی بزرگ آمریکا قرار دارد که اتفاقاً کشورهای دیگر سرمایه‌داری نیز در این مسأله با آمریکا مخالف نیستند. بعضی اتفاقات روی داده باعث تسریع در روند امور شده و برخی تاکتیک‌ها را با توجه به شرایط نوین تعریف کرده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به نحوه مقابله با طالبان و نیروهای که آمریکا آنان را تروریستی می‌خواند، اشاره نمود. چنین اقداماتی را صرفاً می‌توان تاکتیک‌های طراحی شده قلمداد کرد، ولی استراتژی امروز آمریکا در منطقه پس از 11 سپتامبر و یا دفعتی طراحی نشده است و از مدت‌ها قبل مبانی و پایه‌های آن چیده شده بود. فلسفه تشکیل نهادهایی چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و ناتو بعد از جنگ دوم جهانی در راستای تثبیت هژمونی آمریکا بوده است. در حقیقت آمریکایی‌ها منافع ملی خود را در فضایی تضمین می‌کنند که جهان به طرف بی‌مرز شدن و تحرک هر چه بیشتر کالا و سرمایه سوق داده شود و مستلزم استقرار چنین نظامی، وجود امنیت است. بخشی از این استراتژی با تأسیس ناتو و فعال کردن آن تحقق یافت و پس از پایان جنگ سرد آمریکایی‌ها با استفاده از حداکثر پتانسیل شورای امنیت و اخذ مجوزهایی برای توسل به زور در عراق، هائیتی و یوگسلاوی توانستند به برطرف کردن موانع گردش کالا و سرمایه در جهان نائل آیند.

از توضیحات شما چنین استنباط می‌شود که آمریکا برای رفع موانع سرمایه‌داری خود، دغدغه امنیت جهانی و مقابله با بنیادگرایی را مطرح کرده است؟

من امنیت را یک مقوله جهانی می‌دانم و ابعاد مختلف امنیت داخلی و خارجی را قابل تفکیک نمی‌دانم. آمریکا به عنوان یک کشور قدرتمند مطرح است که امنیت داخلی آن در داخل مرزهای ملی محدود نشده و به علت حضور فعال در مناسبات مالی و اقتصادی بین‌المللی، امنیتش از خارج مرزها شروع می‌شود. مراد از امنیت تنها بعد نظامی آن نیست، بلکه مقابله با تمامی عواملی خواهد بود که حیات ملی یک کشور را به خطر انداخته و به کاهش توان اقتصادی، حضور کم‌رنگ فرهنگی-سیاسی و آسیب‌پذیری در مقابل انتقاد افکار عمومی می‌انجامد، حتی انتقاد از نحوه رفتار یک کشور در مقوله حقوق بشر می‌تواند به امنیت لطمه بزند. با توجه به مجموعه این مسائل و فراگیر بودن مقوله امنیت، آمریکا همواره برای تأمین امنیت پایدار درازمدت خویش نیازمند حضور هر چه بیشتر در کلیه مسائل جهانی است.

بنابراین نمی‌توان به یک بحث کوتاه مدت بسنده کرد که مثلاً آمریکا فقط برای مقابله با تروریسم به افغانستان و جهت رفع موانع دموکراسی به عراق حمله کرده است. پس هزینه سنگین عملیات نظامی در عراق و افغانستان تنها با تأمین امنیت آمریکا در درازمدت در کلیه مناطق جهان قابل ارزیابی است. این استراتژی بلندمدت قابلیت انطباق و انعطاف در برابر شرایط غیرعادی و غیرمنتظره را دارد؟

پتانسیل کشورها در مقابل حوادث و وقایع ناگوار و ناگهانی متفاوت است. یک کشور قدرتمند توان مقابله با تهدیدات احتمالی که در هر دوره‌ای امکان وقوع دارد را خواهد داشت، اما این امر، به معنی آسیب‌پذیر نبودن یک کشور نیست. قدرت را نباید به حوزه عمومی محدود کرد، بلکه در حال حاضر توانمند بودن در عرصه اطلاعات، تکنولوژی، ارتباطات، پیشرفت‌های جدید علمی و اینترنت نیز به قدرت یک کشور کمک می‌کند و به طور کلی قدرتمند بودن را می‌توان تسلط به تمام ابعادی که انسان امروزی در عرصه‌های معنوی و مادی به آن نیاز دارد، معنا کرد.

تغییر رئیس‌جمهور می‌تواند به تعویض جهت‌گیری‌های این استراتژی منجر شود یا حداقل از بعد رفتاری تفاوت‌های آشکاری رخ خواهد داد. مثلاً در صورتی که جان کری، نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری از گفت‌وگو با ایران حمایت می‌کند، جمهوریخواهان بر طبل شدت عمل و برخورد با تهران می‌کوبند. چنین موضع‌گیری‌های متفاوتی را چگونه می‌توان با استراتژی‌های بلندمدت آمریکا پیوند داد؟

در استراتژی تغییری صورت نمی‌گیرد. آن اهداف و نیازهایی که بوش را به خارج از مرزها هدایت می‌کند، همان نیازها و ضرورت‌ها در زمان دموکرات‌ها نیز وجود دارد و در دوره بعد نیز وجود خواهد داشت. در بعد اقتصادی جهان سرمایه‌داری به قدرت تولیدی زیادی دست یافته ولی در مقابل، بازار مصرف به این اندازه توانمند نیست که بتواند متناسب با ظرفیت تولید سرمایه‌داری، مصرف کند. لذا باید شرایط جدیدی حاکم شود که کشورهایایی که قدرت مصرف بالا دارند به ظرفیت متناسب دست یابند و بتوانند ظرفیت تولید را پوشش دهند. این امر به شرایط جدید و بهتر نیاز دارد که بالطبع مدل‌های جدیدی را در آرایش سیاسی می‌طلبد و این موضوع مورد توجه کلیه رؤسای جمهور و احزاب عمده آمریکاست و با تغییر آنها، استراتژی دستخوش تحول نخواهد شد. البته تغییر می‌تواند در سطح تاکتیک باشد. اتفاقاً دموکرات‌ها با ابزار نرم‌افزار حقوق بشر دفاع بیشتری از طرح خاورمیانه بزرگ کرده و فشارهای مضاعفی را به کشورهایایی که از نظر آنها غیر دموکراتیک هستند وارد خواهند کرد و به علت همسویی دموکرات‌ها با کشورهای اروپایی در استفاده حداکثری از سیاست‌های نرم‌افزاری و کاهش توسل به زور و خشونت توان مقابله با کشورهای غیردموکراتیک بیشتر فعال شده و لذا شاهد تغییری در درازمدت در استراتژی نخواهیم بود. اگر جان کری هم به ریاست جمهوری انتخاب شود باز مسأله خلع سلاح را مطرح خواهد کرد. چون خلع سلاح امنیتش را به خطر می‌اندازد و من فکر می‌کنم در مورد ایران نیز تغییر عمده‌ای ایجاد نخواهد شد و چون ایران در مقوله حقوق بشر یک کشور آسیب‌پذیر از لحاظ غربی‌ها تلقی می‌شود، ما شاهد تشدید فشارها و آسیب‌های وارده خواهیم بود تا تقلیل آنها. بنابراین مشکلات ما با آمریکا در زمان دموکرات‌ها هم حل نخواهد شد. مگر اینکه تغییرات اساسی در نگاه مسؤولان ما به مقولاتی چون دموکراسی و حقوق بشر ایجاد شود. در زمان کلینتون هم تلاش شد تا با ایران گفت‌وگو شود ولی چون اختلافات بسیار ریشه‌ای تعریف شده، در صورت طرح شعار آن، در عمل تحقق پیدا نخواهد کرد. منظور آنها از گفت‌وگو، دیالوگ بین دو حاکمیت برابر نیست، بلکه آنها گفت‌وگو را به قصد تغییر شرایط ایران انجام خواهند داد. حتی تهدیدهای جورج بوش هم به قصد تغییر شرایط است و این مسأله به ظرفیت‌های سیاسی و ملی ما و اینکه آمادگی این تغییرات وجود دارد یا نه بستگی دارد.

یعنی دموکرات‌ها همان سیاستی را در پیش خواهند گرفت که جمهوریخواهان در پی اجرای آن هستند؟

ببینید جان کری در مقابل ایران سیاست‌هایش معقول‌تر از کشورهای اروپایی خواهد بود. کشورهای اروپایی هم وقتی به ایران نماینده می‌فرستند درحقیقت همان محورهای عمده را مطرح می‌کنند که عبارتند از حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، روند صلح خاورمیانه و فعالیت‌های اتمی ایران. آقای کری هم هرچقدر نسبت به ایران بخواهد سیاست معتدل‌تری داشته باشد در این چهار محور ملایم‌تر از اروپایی‌ها پیش نخواهد رفت، چون اینها سیاست‌های تعریف شده‌ای هستند. حتی اروپاییان که مواضع نسبتاً غیرنظامی و دموکراتیک دارند و تا حدی طرفدار روند مسالمت‌آمیز در برخورد با ایران می‌باشند در برخی جنبه‌ها مانند روند صلح خاورمیانه منتظر اقدام عملی از جانب ایران هستند. در پرونده هسته‌ای ایران، کشورهای اروپایی فشار می‌آورند تا متقاعد شوند فعالیت‌های اتمی برای مصارف نظامی کاربرد نخواهد داشت و طبیعتاً کری هم نسبت به این چهار محور حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد. من فکر نمی‌کنم با انتخاب احتمالی جان کری مذاکره با ایران مطرح شده و شرایط خاصی ایجاد شود. ایران در صورتی که بتواند در این چهار حوزه به اقدامات عملی دست بزند و دنیای غرب را متقاعد کند در آن صورت می‌تواند تأثیرگذار باشد، چه در سیاست‌های دموکرات‌ها و چه جمهوریخواهان. حال اگر در یکی از چهار محور فوق مشکلی داشته باشد، دموکرات‌ها به شیوه خود و محافظه‌کاران به روش خود بر ایران فشار خواهند آورد.

شیوه اروپاییان گفت‌وگویی سازنده و پس از آن گفت‌وگویی انتقادی بوده است ولی آمریکا سیاست برخورد و فشار را در پیش گرفت. سؤال من مشخصاً این است، در صورت پیروزی جان کری، آمریکا از چه ابزاری برای فشار بر ایران استفاده خواهد کرد؟

به عقیده من تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی تشدید خواهد شد و آمریکا از ظرفیت‌های قانونی و حقوقی جامعه جهانی مانند شورای حکام انرژی هسته‌ای، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، شورای امنیت و... برای اعمال فشار به ایران بهره خواهد برد. در حال حاضر جورج بوش و جمهوریخواهان

اقدام عملی خاصی نمی‌کنند، منتها لحنشان کمی تندتر است و معتقد به ادبیات تندی هستند؛ ولی به هیچوجه قصد مداخله نظامی در ایران و حتی تغییر نظام را ندارند .

چرا؟ به علت عدم وجود اجماع جهانی؟

نه، به هرحال شرایط یا مناسب نیست یا این اقدام پر هزینه خواهد بود، به هرحال آنها می‌گویند در ایران یک جنبش آزادیخواهی و اصلاح‌طلبانه‌ای وجود دارد که در صورت حمایت از این جنبش می‌تواند تغییراتی ایجاد کند. بنابراین، بایستی از این جنبش حمایت کرده و حساب مردم ایران را از حکومتی‌ها جدا کنیم. در صورت انتخاب کری، دموکرات‌ها با توجه به تأکید بیشترشان بر حقوق بشر و دفاع از جنبش‌های دموکراتیک این گفتمان به نوعی ادامه خواهد داشت و چون از ابزاری استفاده می‌کنند که افکار عمومی با آن بیشتر همسویی و همراهی دارد، لذا فشارهای آنها شاید مؤثرتر باشد تا فشارهایی که جمهوریخواهان دارند که افکار عمومی خیلی هم با آنها همراهی نمی‌کند .

ولی بوش فقط به حمایت لفظی از این جنبش پرداخت، حمایت عملی نکرد؟

تا آنجا که می‌دانیم آنها می‌گویند ما پشتیبانی معنوی می‌کنیم و در لفظ و بیشتر در بعد تبلیغی و شناساندن اهمیت این جنبش است که اطلاعیه و اعلامیه می‌دهند و صحبت می‌کنند. اما نقاط کور و مشکل‌ساز هم وجود دارد و آن اینکه آنها در بحث حقوق بشر نمی‌توانند خارج از قالب‌های حقوقی که جامعه جهانی تعریف کرده حرکت کنند. در محدوده مبارزه با تروریسم، قطعنامه‌های شورای امنیت بیشترین فرصت و قابلیت را به کشورهای که دنبال بهانه بوده و می‌خواهند فشار بیشتری وارد کنند می‌دهد، این امر در مورد جمهوریخواهان و دموکرات‌ها تفاوتی نخواهد داشت و اگر در مسأله مبارزه با تروریسم هنوز به گفته‌های ایران اعتقاد پیدا نکنند، خواهند توانست فشارها را در قالب بهره‌گیری از توانمندی‌های شورای امنیت هم ادامه دهند .

این فرضیه وجود دارد که در صورت حاد شدن مسأله حقوق بشر در ایران، محافظه‌کاران به جای تغییر در رفتار، به امتیازدهی به غرب روی خواهند آورد؟ آیا بحث حقوق بشر را می‌توان با چنین تاکتیک‌هایی عقب راند و آن را به محاق فراموشی سپرد؟

در مسائلی که کشورمان با آن درگیر است بایستی به توانمندی‌ها و سیاست‌های ملی بیشتر بها دهیم. در این چارچوب در مجموع جنبش اصلاح‌طلبانه ایران که شامل همه دیدگاه‌ها و طیف‌های فکری و سیاسی می‌شود از قابلیت‌هایی برخوردار شده که در داخل حتی بدون حمایت خارجی‌ها هم بتواند اثرگذار باشد و تعدیل ایجاد کند. بخشنامه اخیر رئیس قوه قضائیه در نحوه برخورد با فعالان سیاسی، زندانیان، متهمان، منع شکنجه و برخورد ضابطین و قضات با مردم امری نیست که صرفاً بیاییم و تبلیغ کنیم که حتماً به علت فشارهای خارجی صورت گرفته است. جامعه ما به حدی از بلوغ رسیده که بتواند مسائل زندگی خودش را درست ارزیابی کرده و برای آن برنامه‌ریزی کند. من با این بحث خیلی موافق نیستم که اگر محافظه‌کاران در قدرت تثبیت شوند برای کاهش فشارهای خارجی بی‌زبونند و یا امتیاز دادن به خارجی‌ها در مقابل تند با داخل، خواهند پرداخت. بلکه مجموعه حرکت اصلاحات از داخل به‌وجود آمده که به خصوص پس از دوم خرداد تحولات زیادی را در جامعه ایجاد کرده که بازتاب‌های آن به تدریج آشکار خواهد شد و پتانسیل‌هایی را شکل خواهد داد. ایران در تداوم سیاست تنش‌زدایی به‌طور منطقی به دنبال حل مشکلاتش با همه کشورهای خواهد بود و طبیعی است که بخشی از الزامات جامعه جهانی را بپذیرد ولی نه به عنوان فشار از خارج بلکه در چارچوب برقراری ارتباط معقول و منطقی با کشورهای دیگر برای حفظ منافع ملی .

چنین روندی پس از خروج کامل اصلاح‌طلبان از خانه‌های قدرت هم ادامه خواهد یافت؟

مطمئناً، این جنبش اصلاح‌طلبی بود که آقای خاتمی را روی کار آورد و نه اینکه آقای خاتمی جنبش اصلاحات را ایجاد کرده باشد. وقتی هم که خاتمی نتوانست جنبش اصلاحات را مدیریت و رهبری کند، این جنبش بود که به انتقاد از وی پرداخت و نسبت به آن عکس‌العمل منفی نشان داد. مجموع ظرفیت‌های ملی ما با پشتوانه سال‌ها مبارزات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که شرایطی مثل دوم خرداد را به وجود آورد و من فکر نمی‌کنم با کنار رفتن آقای خاتمی یا پایان کار مجلس ششم این روند به طور کلی تعطیل شود، بلکه به شیوه و شکل‌های خودش ظاهر خواهد شد، از جمله در رفتار و عملکرد و سیاستگذاری بخشی از نیروهایی که امروز به عنوان محافظه‌کار خوانده می‌شوند، این روند بازتاب خواهد داشت .

بگذارید به این موضوع از جنبه دیگری بپردازیم. در میان چهار محور فوق، حقوق بشر خواهد توانست به پرونده دوم ایران در مجامع بین‌المللی پس از پرونده فعالیت‌های هسته‌ای بدل شود؟

بحث حقوق بشر چون با ظرفیت‌های نظام ارزشی و ظرف توسعه هر کشوری مرتبط است، بخش عمده‌ای از آن به صورت فرآیند و پروسه قابل طرح می‌باشد. در واقع امری نیست که به یکباره حاد شود و بشود با یک تصمیم‌گیری به آن فیصله داد، بلکه امری گام به گام خواهد بود. در این مسأله با شما موافق نیستم که بحث حقوق بشر بسیار پیچیده و معضل باشد، بلکه سه محور دیگر در مناسبات ایران با کشورهای دیگر پرنگ‌تر است. مسأله مبارزه با تروریسم فوق‌العاده مهم است، چون پروسه آن خیلی طولانی نیست و به نظام ارزشی و فرهنگی مرتبط نمی‌باشد بلکه یک نوع رفتار است و ایران با رفتار خود باید جهان را متقاعد کند که اتهامات و ادعاهای موجود بی‌اساس است. این کار خیلی پیچیده نیست و با یک سری رفتارها، اعلامیه‌ها و بیانی‌ها به راحتی قابل رفع خواهد بود، اما بحث حقوق بشر به علت ماهیت پروسه‌ای آن نیازمند این است که ما بتوانیم بخشی از الزاماتی را که قانون اساسی

هم پذیرفته قانونمند کرده و برای آن ضمانت اجرایی ایجاد کنیم مانند منع شکنجه، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و انتخابات. با این مقولات می‌توان در داخل پرداخت و گام به گام جلو رفت. در این زمینه جهان راحت‌تر می‌تواند متقاعد شود و فشارهایش را محدود کند. اما در زمینه مبارزه با تروریسم آنها منتظر اقدام عملی هستند، در مقوله فعالیت هسته‌ای اکنون مدل رفتاری لیبی را برای ما تعریف کرده‌اند، یعنی می‌گویند اگر کشوری می‌خواهد حسن‌نیت خود را در این فعالیت‌ها نشان داده و ماهیت صلح‌آمیز آن را اثبات کند باید رفتاری مثل لیبی داشته باشد تا ما متقاعد شویم. در زمینه صلح خاورمیانه هم مسأله ساده‌ای در پیش‌رو نیست. این موضوع از یک سو به نظام ارزشی و باورهای ما مربوط است و اعتقاد ما که فلسطین ملت مظلوم، ستمدیده و مسلمانی است که از حق تعیین سرنوشت محروم شده و از جانب دیگر این قضیه با امنیت ما مرتبط است. لذا ما در سه محور چالش بیشتری خواهیم داشت تا در زمینه حقوق بشر و این مسأله با آنکه با اهمیت است ولی متقاعد کردن دیگر کشورها شاید خیلی مشکل نخواهد بود.